

# زن در ایران باستان

## نگاهی به پیشینه زن ایرانی در دوران کهن و پیش از ورود اسلام

### زهره قلباش

این نوشته بنا دارد سفری در زمان و در گذشته‌های دور ایران زمین کند تا ببیند زنان در آن روز در جامعه و عقاید مردم چه جایگاهی داشتند. قدر مسلم در اساطیر باستانی زنان جایگاه محوری و والا داشتند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در جوامع کهن و پیش از انسانوار شدن خدایان، «اصل مادینه هستی» به مثابه اندیشه و باور مذهبی مردم در جریان بود و طبق آن مادر هستی یا پادشاه و شهریار منشأ هستی و پرستش بود و هر قومی يك نماد یا تجسمی از این مادر را در قالب اشکال حیوانات یا گیاهان می‌پرستید. این امر باعث شد تا در عصر ظهور خدایان انسان‌واره، ایزدبانوها نیز ظاهر شوند و برخی نیروهای برتر طبیعت را عهده‌دار گردند.

### زن در زمانه گذشته

به‌ویژه در عصر کشاورزی ایزدبانوها مظاهر باروری و رونق زمین بودند. در همین دوران‌ها بود که با انسانوار شدن خدایان، تفکیک جنسیتی نیز آغاز شد و خود ستیزه‌هایی را بین خدایان نر و ماده سبب شد که قطعاً بر سرنوشت پرستندگان آنها نیز تاثیرگذار بود (ببینید: حسین یاوری و شیرین بلاش، بررسی نماد زن در اسطوره‌های دوران باستان). نکته جالب توجه در کهن‌الگوی اصل مادینه یا مادر کبیر هستی که بسان يك کل بزرگ همه خصوصیات و ویژگی‌های حیات و هستی اعم از خوب یا بد آن را در خود داشت، این است که بعدها با شروع دوران اسطوره‌زدایی به تجزیه این کهن‌الگو منجر شده و شخصیت مادر را در نگاره‌های سمبلیک مختلفی اعم از الهه، دختر شاه پریان، شیاطین، حوریان مهربان یا نامهربان، زن جادوگر، زن صلح‌جو و عشق‌آفرین، زن زیبا، زن نیرومند و ایثارگر و... متبلور می‌سازد (همانجا). این نمادها بعدها در ادبیات و داستان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به اشکال مختلف درمی‌آید و احتمالاً کهن‌الگوهای جدیدتری از زن همچون زن نیکو

یا زن شیر را سبب میشود. در هر حال بازتاب این اساطیر و کهنالگوها در آغاز در تمدن میان رودان یا خاورمیانه امروز به تقدس زن انجامید. تصاویر و سنگ‌نبشته‌های به‌جا مانده از آن دوران از اهمیت الهه مادر حکایت دارد. جالب توجه است که در این نگاره‌ها اعضای جنسی نشان داده نشده درحالی که در نگاره‌های ماقبل‌تر که گفتیم از مذاهب طبیعی اولیه تا دوران ظهور خدایان انسانواره را شامل میشود، اعضای جنسی به وضوح تمام نشان داده میشود و گفتیم در آنجا بحث تفکیک جنسیتی مطرح شد درحالی که در نمادهای میان رودان این تفکیک جنسیتی مطرح نبود زیرا مادر در اینجا یک محور و مرکز بود و نقش او بیش از جنسیت وی اهمیت داشت. درحالی که به گفته پژوهشگران، تاکید بر اعضای جنسی ناشی از اشتیاق مردان بوده است (همان منبع قبلی).

### تغییر فرهنگ مادرمحوری

بنابراین از آغاز دوران کشاورزی تا ظهور دوران نوسنگی و تشکیل دولت‌شهرهای جدید در میان رودان، فرهنگ مادرمحوری استوار بوده است و زنان نقش عمده‌ای در رهبری دینی و سیاسی جامعه داشتند. اما با تحولات مختلفی که در اثر حملات مهاجمان در این منطقه به وجود آمد و موجب تغییرات مهم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شد کم‌کم فرهنگ مادرمحوری محو شد و نیاز به تشکیل نیروی نظامی دایمی، آرایش سیاسی را تغییر داد. به عنوان مثال در افسانه گیل‌گمش پهلوان، چون وی زنان و دختران سومری را به خاطر غرور خود بسیار آزار و شکنجه داده بود توسط ایزدبانو اینانا (ازاله‌های سومری) تنبیه و به جهان زیرین فرستاده شد و نشانه پادشاهی‌اش را هم از دست داد. نکته مهم‌تر بحث ازدواج است که در تغییر مسیر مادرمحوری مهم بوده است. یکی از قدیمی‌ترین اسناد سومری (بیش از 4500 سال قبل میلاد) که بعدها به تمدن‌های بابلی و سامی و یهودی و حتی یونانی و اروپایی راه یافت، شعری راجع به خواستگاری دوموزی پادشاه مهاجمان (شبانان) از ایزدبانوی سومر اینانا است که در آن انواع کلمات عاشقانه و مطالبات دوطرفه ایراد شده و بی‌میلی اینانا به ازدواج را به دلیل طبیعت خشن و زمخت دوموزی مطرح کرده بود درحالی که اینانا مایل بود با بزرگ‌تر ازدواج کند که سرشار از رویش و نعمت حاصل از کشاورزی بوده است. اما سرانجام دلربایی دوموزی جواب میدهد و اینانا که سرشار از زنانگی و زیبایی و شوق باروری بود به او بله می‌گوید و درنهایت دوموزی را پادشاه شایسته و خود را همراه و پشتیبان او در جنگ و حکومت معرفی می‌کند (همان کتاب). تحلیل این

شعر می‌تواند نشان دهد که آنچه فرهنگ مادرمحوری یا به عبارت بهتر، فرهنگ زن محوری را تا حدود زیاد پس می‌زند و به مردمحوری می‌انجامد، یکی مساله جنگ و کارزار اقوام با همدیگر و دیگری زناشویی است که زن را در اختیار مرد قرار می‌دهد. بنابراین عجیب نیست اگر بگوییم پس از دوران اساطیر که زنان نقش برجسته‌ای داشتند، در دوران شهرنشینی و ظهور جنگ‌ها و نبردها به مرور نقش برجسته مردان نمایان شد و تفکیک جنسیتی اگر ابتدا بر اثر تمایز اندام جنسی بود، اما بعدا ناشی از قدرت و اشتیاق مرد به تصاحب و غرور و درگیری و کشورگشایی شد و از جمله مردان مایل بودند زنان را نیز همچون کشورها تصاحب و از آن خود بکنند تا اشتیاق خود را ارضا نمایند و این موضوع در سرنوشت بعدی زنان بسیار تاثیرگذار بوده است.

## زن در ایران باستان

اما در فرهنگ‌های اولیه ایران باستان که تداوم توسعه تمدن‌های میان رودان در جنوب ایران بود، در عیلام (ایلام) نیز توجه به خدایان مادینه و اهمیت باروری زنان در راس توجه بوده به قسمی که خدایان اولیه آنها ابتدا مادینه بودند که بعدها بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی خدایان نرینه نیز اضافه شدند که باعث شد مادینه‌ها تا حدودی به حاشیه بروند و درجه دوم تلقی شوند. با این حال آثار به جا مانده از عیلام به خوبی نشان داده که زنان جایگاه اجتماعی و حقوقی بسیار والایی داشته و در اکثر مناصب اجتماعی و سیاسی شرکت داشتند و به خصوص در مساله باروری و شغل حقوق خاصی به آنها اعطا شده است و از جمله در بحث ارث کاملا حضور مستقل و غیروابسته به شوهر داشته‌اند. نکته مهم در همه این تمدن‌ها احترام خاص به کهن‌الگوی مادر است که حتی در قوانین فردی و اجتماعی هم انعکاس یافته بود و مثلا پسری که احترام مادر را پاس نمی‌داشت ارث هم نمی‌برد.

## زن در دوران مادها

در دوران مادها که حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح را دربرمی‌گیرد، ایزدبانوی آناهیتا (ناهید، آناهید، اردویسور آناهیتا) که همپای ایزد میترا (مهر) بود، بسیار مقدس بود و آریاییان او را الهه حاصلخیزی و باروری و آب‌ها می‌دانستند. آناهید نمادی از زایش پاک و آب‌های روان و پاکیزه بوده و در اوستا (آبان یشت) ستایش و نیایش شده و نگهبان تمام آب‌های جهان معرفی شده است.

او فره زرتشت را محافظت می‌کند و علاوه بر زیبایی و جمال، قدرت و منش پاک نیز دارد. آناهید هرگز ازدواج نکرد و به شرم و حیا منقاد بود و سرشت پاک او در همه ادوار ایران باستان زبانزد بود. این ایزدبانو در دوران هخامنشی نیز تداوم یافت و جالب اینکه مظهر سه نیروی مختلف روحانی، ارتشی و تولید شد و در دوران ساسانیان نیز همچنان جایگاه خود را حفظ کرد. اهمیتی که این الهه در نزد ایرانیان باستان داشت به احتمال قریب به یقین سبب شده بود تا زنان در ایران باستان از احترام و جایگاه خاصی برخوردار باشند. شاید به همان دلیلی که پیشتر گفتیم، یعنی نیاز به کشورگشایی و جنگ سبب شده بود که در دوران هخامنشیان زنان نقش محدودتری نسبت به قبل در مسائل سیاسی و اجتماعی پیدا کنند، اما نفوذ آنها در مسائل سیاسی و اجتماعی هرگز از بین نرفت. در واقع، حضور کمتر زنان در مناصب مختلف چیزی از مسوولیت فردی و اجتماعی آنها نمی‌کاست و به‌خصوص از آنها در ازدواج‌هایی که مقاصد سیاسی داشتند استفاده می‌شد. بنابراین نقش زن در مقام دختر، همسر و مادر بسیار اهمیت یافت. اما حق انتخاب او به مثابه اینکه انسانی دارای اراده آزاد و خرد و رای است نیز محترم شمرده شد و در آن دوران سن ازدواج از 16 سال به بالا بود و کمتر از این سن ازدواج جایز نبود.

### **طبقه‌بندی شغلی زنان در ایران باستان**

این را نیز باید اضافه کنیم که در طبقه‌بندی شغلی زنان در عصر هخامنشی، زنان ارتشی، کارگر و خدمتکار حضور داشتند و زنان همپای مردان می‌توانستند کار کنند و حقوق برابر مردان دریافت کنند و موارد دیگری که در جاهای مختلف و در نوشته‌های مختلف ذکر شده است. ایرانیان باستان بدین‌ترتیب روز پنجم ماه اسفند (سفندارمذ) را روز زن یا جشن سپندارمذگان نامیدند و مردان موظف بودند در این روز برای زنان‌شان هدیه بگیرند. بعدها از دوران سلوکیه تا اشکانی و ساسانی شرایط زنان تحولات زیادی پیدا کرد.

### **تک همسری و چند همسری**

به رغم اینکه قوانین جدید چندهمسری را جایز می‌دانست، اما اکثر مردم به همان تک‌همسری پایبند بودند و زنان در بحث اموال و طلاق حقوق مناسبی داشتند و می‌توانستند از بدرفتاری شوهران خود به دادگاه شکایت کنند. اما دختران تحت قیمومیت پدر یا برادر بودند و ازدواج‌شان باید با رضایت آنها صورت می‌گرفت. همچنین این مسائل هیچ‌کدام مانع از خودشکوفایی و خودسازی زن نبود و او می‌توانست از

فرصت‌هایی که به دستش می‌آید در جهت پرورش استعداد و شایستگی‌های خود استفاده نماید. حتی در ایران باستان زنان فرمانروا و وزیر نیز بوده‌اند از جمله یوتاب خواهر آریوبرزن سردار ایرانی که همچون برادرش در راه میهن کشته شد، یا آرتمیس که دریاسالار ارتش خشایارشا بود و آتوسا دختر کورش و همسر داریوش و مادر خشایارشا که هم فرمانروا بود و هم شاعر و آرتادخت که وزیر خزانه‌داری اردوان چهارم اشکانی بود.

### حضور زنان در مراسم مذهبی

نکته دیگر اینکه زنان نیز همچون مردان در مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کردند و گاهی زنانی که باردار یا دارای فرزند بودند به دلیل مشقتی که ممکن بود حاصل شود از برخی مراسم‌ها معاف می‌شدند و حکومت در زمان بارداری امتیازات خاصی برای‌شان قائل می‌شد و حقوق خاصی دریافت می‌کردند. چنانکه گفتیم نمونه‌های از این دست بی‌شمارند و همگی حاکی از احترام به جایگاه زن در ایران باستان است. علی‌ای‌حال، با مرور این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که نه در عرصه بودن زن و نه به حاشیه رفتن او چندان ربطی به زنانگی و به‌خصوص تنانگی او نداشته و بیشتر حاصل تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتضات جنگ و کارزار بوده است. چه اینکه زنان در مشاغل مختلف حتی نظامی نیز می‌توانستند شرکت کنند. فرمانروایی آنها در قدیم نیز حاکی از این بوده که قدرت هوش و تعقلشان کم نبوده و قادر به مدیریت و اداره کشور بوده‌اند.

### بالارفتن اهمیت تنانگی زنان

#### محصول فرهنگ مردسالار

بنابراین آنها که زن را به عشوه‌گری یا فریبکاری تعریف کرده‌اند، قطعاً با نگاه پیشداورانه و حاکی از بغض و به دور از عدالت و عقلانیت قضاوت کرده‌اند. اینکه بعدها اینقدر تنانگی زنان مهم شد را باید در درون فرهنگ مردسالاری جست‌وجو کنیم. اینکه علل عمده این مساله چه بوده نیز نیاز به روانکاوی مردان گذشته که در قدرت بودند دارد زیرا چنانکه گفتیم مردم در دوران پیشانوسنگی هرگز نگاه جنسی به زن را اولویت قرار ندادند و بلکه آنها مادر را به مثابه اصل و ریشه زایش و تولد و باروری و حاصلخیزی مطلق نظر قرار دادند و از همین رو احترام خاصی به او حتی در مقام پادشاه قائل شدند و حتی ریشه‌شناسی واژه کدبانو نیز به واژه شهریار بازمی‌گردد

و ربطی به مطبخ و خوشسلیقگی ندارد، هرچه این دومی نیز مفهومی نیکو از برای زنان بوده است.

## کلام آخر

در پایان این نوشته باید خاطرنشان کرد که مقاربت زن با زیبایی، خوشسلیقگی، باروری، آشپزی، خانه‌داری و موارد مشابه آن هیچ امر مذمومی نبوده و همه اینها جزو ذات و استعداد زن است اگر نگوییم که ذاتی اوست؛ چه اینکه تعریف کردن زن به این موارد يك اشتباه بزرگ است که متأسفانه در دوران جدید به‌رغم آن همه پیشرفت دانش بشر و عقلانیت او اتفاق افتاد و باعث شد تا انواع ایدئولوژی‌های افراطی که زن را يا يك تن زیبای صرف يا يك پستونشین صرف معرفی کردند پدید آید. اما همه این موارد فقط بخشی از هویت زن را تشکیل می‌دهند و از آنها مهم‌تر انسان بودن و حضور مستقل زن در هستی است که در فرهنگ مردسالاری دیرینه تا حد زیاد محو شد و زنان بعد از دوران جدید در جهت اثبات هویت مستقل خود تلاش‌های زیادی کرده و مرارت‌های زیادی را تحمل کردند و می‌کنند. اینکه زن را با نقش مادری و همسری تعریف کنیم خوب است، اما اینکه زن را فقط با نقش مادری و همسری تعریف کنیم چندان زیبنده نیست زیرا زن به مثابه يك مخلوق همچون مرد سرشار از انواع نیروها و استعدادهاي خدادادي است که حق اوست تا از آنها بهره‌برداری نماید و هیچ‌کدام از اینها سبب نمیشود بار اخلاقی جوامع را فقط به دوش زنان بیندازیم و باعث رنج و تعب آنها شویم زیرا اخلاق ربطی به جنسیت ندارد و شامل هر دو زن و مرد میشود.

منبع: روزنامه اعتماد 11 دی ماه 1402 □□□□□□